

بیمه از نظر حقوق مدنی

« ۲ »

در بیمه معمولی امروز جبران خسارت پس از وقوع آن بعمل میآید ولی آنموقع این رویه بیشتر برای تأمین و اعتبار بوده است و در عین حال هم یکنوع بیمه محسوب میشود. در حقوق رم ایجاد نفقه عمری یا Rente viagère دیده میشود و اولپین Ulpian یک تابلوی احتمالی از سن اشخاص ترتیب میدهد اما این معامله صرفاً مثل بیمه نبوده است ولی چون مشاورین حقوق رم این عقد را نسبت باشخاص ثالث نیز صحیح دانسته اند بالنتیجه معامله مزبور در حقیقت بیمه عمر است که با اسم Cum moriar موسوم بوده که وجه اشتراک آن با بیمه تأدیه وجه بورثه متوفی میباشد (ورثه کسی که نفقه را پرداخته است)

تالمود Talmud که در قرن ۲ مسیحی نوشته شده میگوید « یهودیها یک ملت دریانوردی نبوده اند ولی با دریانوردان و مخصوصاً بابلیها معاملاتی داشته و در موضوع انداختن اموال جهت نجات کشتی (تقدیه) که در آن زمان معمول بوده است وزن اشیائیکه بدریا ریخته میشد ملحوظ میگردد نه قیمت آنها و بعلاوه قواعد دیگری هم داشتند که از آنجمله این بود که اگر یکی از آنها فاقد کشتی خود گردد دیگران بخرج خود برای او یک کشتی بسازند. این تعهد الزامی است هرگاه فقدان کشتی بر اثر خطای ناخدا نباشد و یا در جانی کشتی مفقود شود که عادتاً دریانوردان بان نقاط میروند» بطوریکه دیده میشود این عمل یک نوع بیمه بحری است که متکی برحس تعاون میباشد.

ارتور دژاردن (Arthur Des jardins) نویسنده حقوق بحری در کتاب خود مینویسد که بعضی از قبایل تمدن آسیائی دارای مؤسسات خیریه ای بوده اند که عمل آنها کمک بساحل نشینان خلیج فارس بوده است چنانکه تالمود متعرض است هرگاه کسی بدون تقصیر کشتی اش مفقود میشد حق تحصیل کشتی دیگری بخرج سایر دریانوران داشت. تالمود در جای دیگر میگوید: « در فلسطین این رویه مابین الاغ چرانان معمول بوده است باین ترتیب که بین آنها مقرر میگردد هرگاه صاحب الاغ بر اثر مرگ یا فرار یا حمله حیوانات وحشی فاقد الاغ خود گردد دیگران باید باو کمک کرده یک الاغ بدهند^۳ و همچنین همراهان یک کاروان بیکدیگر وعده میدادند که در صورت وقوع دزدی جبران خسارت متضرر را بنمایند»

- ۱ - تالمود طبع پاریس ۱۸۸۷ جلد ۶ نمره ۱۲۹۰ ص ۴۹ تاریخ حقوق . تاریخ ردلف دارست طبع پاریس ۱۹۰۸ .
- ۲ - بیمه های ارضی ژوزف همار . ۳ - تاریخ عمومی بیمه در فرانسه و ممالک خارجه ص ۱۷ تالیف ژرژ هامو.

بیمه از نظر حقوق مدنی

بطوریکه دیده میشود این اعمال کلیه مبتنی برحس تعاون متقابل میباشد.

حس تعاون در قرون وسطی بیشتر بروز نمود در این دوره بیمه بحری معمول گردید ولی هنوز بیمه بری معمول نبود. اساس ملوک الطوائفی بر روی اتکاء ضعفاء بر اقویا قرار داشت و لذا اوضاع اجتماعی در این دوره برای اجتماعات افراد و تعاون آنها خیلی مساعد بود. صرفنظر از اینکه شاهزادگان در مقابل مالیاتهائیکه میگردند موظف بودند خساراتیکه در راههای مملکتشان نسبت بمسافرین و تجار پیش میآمد جبران نمایند در این موقع اجتماعاتی بین افراد بمنظور تحمل خسارت وارد بهریک از آنها ایجاد شد چنانکه بین نژاد انگلوساکسن اینطور معمول بود که: اگر باعضاء اجتماعی که بر اثر حریق یا طغیان رودخانه ها یا دزدی یا سرگ حیوانات و غیره خسارتی متوجه گردد وجه معینی داده شود و این عمل را پاپ الکساندر سوم در سال ۱۱۵۵ مسیحی جهت حمایت اسوال کلیسا و نظامیان و پاپ و بعضی طبقات دیگر معمول و برقرار کرده بود و این رویه متقابل نیز نسبت باعضاء مریض و پیر و بیوه و یتیم اجراء میگرددینه است.

این طرز عمل در ایالت الزاس هم دیده میشود چنانکه هرگاه در زمان ملوک الطوائفی خانه یکی از اهالی الزاسی دچار حریق میشد تمام اهالی موظف بودند خانه او را بسازند و اگر یکی از آنها از انجام این وظیفه خودداری میکرد متضرر حق داشت بخانه او ریخته او را ازخانه اش خارج نماید و بالاخره بنابر قول M. M. Grun jalier در سال ۱۸۲۲ یعنی در زمان سلطنت فیلیپ اگوست Philippe Auguste و بعداً در سال ۱۳۳۱ در زمان سلطنت فیلیپ لوبل Philippe Le Bel که یهودیها مجبور بمهاجرت گردیدند بین ایشان یک نوع بیمه متقابل نسبت بتمام خطرات ممکنه معمول بوده است.

اما بیمه بحری از اجاره کشتی جهت حمل و نقل و یا تعهد حمل و نقل ناشی شده است باین بیان که پاپ گرگوار نهم در سال ۱۲۳۴ مسیحی قرض از ترس حوادث را (با اینکه ربا را جایزه شمرده بود) منع کردند در اینوقت عنوان بیمه وجود نداشت ولی یکنوع قرض (بطوریکه گفته شد) ومخصوصاً یکنوع معامله بیع بوقوع میبوست که درحقیقت بیمه بود زیرا شخص درمقابل مالک کالائی اینطور معامله میکرد که کالا را میخرد ولی تأدیه قیمت آن را مشروط میکرد باینکه آن مال بمقصد نرسد و هرگاه مال مزبور بدون عیب بمقصد میرسید معامله باطل محسوب میگردد و فقط بایع (بیمه گذار) یک حقی (حق بیمه) بمشتری (بیمه گر) میپرداخت.

بطوریکه دیده میشود این عمل با قرض از ترس حوادث اختلاف دارد زیرا مشتری ثمن را قبلاً نمیبپردازد در صورتیکه در آن معامله وجه قرض درحین انعقاد قرارداد تسلیم میگردد.

خلاصه اولین مرتبه عقد بیمه در ابتدای قرن ۱۴ مسیحی در شهرهای ایتالیا واقع شد چه در این مملکت بحری تجارت از راه دریا معمول و رونقی بسزا داشت



شہرہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شپښه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بیمه از نظر حقوق مدنی

بدیگری موسوم به بیمه گذار تعهد میکند جبران خسارات اتفاقی را که برای عقد در نظر گرفته شده است در ازاء یک حق معینی که از طرف بیمه گزار پرداخته میشود. « فرهنگ حقوقی فرانسه ۱ بیمه را اینطور تعریف میکند: «عقدی است که بموجب آن شخص (بیمه گر) تعهد میکند درمقابل دیگری (بیمه گذار) جبران خسارت حاصله از بعضی خطرات معینه را در ازاء پرداخت وجهی».

لوئی ژوسران (Louis Josserand) در حقوق مدنی خود بیمه را چنین تعریف کرده: «بیمه عقدی است که بموجب آن بیمه گر در مقابل تعهد پرداخت حق بیمه از طرف بیمه گذار جبران خسارت خطری را که وقوع آن نسبت بطرفین مؤثر است بعهده بگیرد بطوریکه بیمه گذار شخصاً و به تنهایی متحمل خسارت نشود»

دانیل دانژون Daniel Danjon نویسنده حقوق بحوی فرانسه در تعریف بیمه اینطور مینویسد «بطور کلی بیمه (باستثنای بیمه اشخاص) عبارتست از عقدی که بموجب آن بیمه گر در ازاء حق بیمه یا سهم تعهد میکند نسبت بشخص دیگری موسوم به بیمه گذار جبران بعضی خسارات حاصله از بعضی خطرات وحوادث معین را» و همینطور تعریفهای زیاد دیگری از بیمه شده است که تمام آنها بطوریکه مشاهده میشود جامع تمام اقسام بیمه نمیکردند مثلاً بیمه عمر در حال حیات مشمول هیچیک از این تعریفها نمیشود.

وبالآخره بنا برقول لیتره ۲ Littre «بیمه تعهد پرداخت یک پولی درصورت حدوث اتفاق معینی است» این تعریف گرچه شامل تمام اقسام بیمه میگردد ولی خیلی وسیع است و دارای صفت مانعیت نیست باین بیان که ممکن است معاملات دیگری مانند قمار و گروبنندی را داخل این تعریف کرد - ژوزف همار Joseph Hemard نویسنده کتاب بیمه های ارضی میگوید که در هیچیک از قوانین تجارت هنگری (۱۸۷۶) و اسپانی (۱۸۸۰) و مکزیگ (۱۸۸۹) تعریف کاسلی از بیمه نگردیده است و قانون هنگری هر یک از بیمه خسارت (ماده ۴۶۳) و بیمه عمر (۳۹۸) را جداگانه تعریف کرده است. آنچه بنظر نویسنده میرسد اینستکه بیمه را میتوان بشرح ذیل تعریف نمود.

بیمه عقدی است که بموجب آن شخصی در مقابل دیگری که تعهد پرداخت وجه یا وجوهی را میکند متعهد میشود که در صورت بروز حادثه ای خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی باو بپردازد ویا درصورت اقتضاء مدت معینی درحدود شرایط مقرر مبلغ ثابتی باو تأدیه نماید.

ماده ۱ قانون بیمه ایران بیمه را بطریق ذیل تعریف میکند «بیمه عقدی است که بموجب آن یک طرف تعهد میکند در ازاء پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر که درصورت وقوع یا بروز خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد.»

1 - Dictionnaire usuel de droit par-Max Le grand. -

۲ - Dictionnaire de la langue française. -

بیمه از نظر حقوق مدنی

متعهد را بیمه گر طرف تعهد را بیمه گذار و وجهی را که بیمه گذار به بیمه گر میپردازد حق بیمه و آنچه را که بیمه میشود موضوع بیمه نامند.

در بادی امر چنین بنظر میرسد که ماده مزبور فقط ناظر به بیمه اسوال میباشد و مخصوصاً از قسمت اخیر ماده که جعل اصطلاح میکند و میگوید. « آنچه را که بیمه میشود موضوع بیمه نامند » این توهم بیشتر میشود زیرا کلمه آنچه ظاهراً در مورد اشخاص استعمال نمیگردد و شامل ذوی العقول نمیشود ولی از دقت عبارت ماده معلوم میگردد که در لفظ آنچه تسامح شده است و قانون مزبور شامل بیمه اشخاص نیز میشود چه در عبارت آخر قسمت اول ماده میگوید.

« ... خسارت وارده بر او را جبران نماید یا وجه معینی بپردازد » ماده پرداخت وجه معین را تقسیم جبران خسارت دانسته است و این عمل در بیمه عمر در مقابل مرگ و بیمه اعضاء بدن در مقابل خطر شکستن یا فقدان مورد پیدا میکند. «
اما تعریف مزبور شامل بیمه عمر در حال حیات نیست توضیح آنکه بیمه عمر دو قسم است:

یکی آنکه بیمه گر متعهد میشود پس از فوت بیمه گذار مبلغ معینی مثلاً ۵۰۰۰۰ ریال بورته او یا شخص دیگری بدهد و در مقابل بیمه گذار تعهد میکند مادام که زنده است سالی فلان مبلغ مثلاً ۵۰۰۰ ریال به بیمه گر بپردازد. تعریف مذکور شامل این قسم بیمه میشود زیرا بیمه گر تعهد میکند در ازاء پرداخت وجوهی از طرف بیمه گذار که در صورت وقوع حادثه (فوت) وجه معینی بپردازد و این قسمت نیز صریحاً از قسمت آخر ماده ؛ استنباط میشود چه ماده ؛ میگوید: « موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت با هرق مالی یا هرنوع مسئولیت حقوقی مشروط بر اینکه بیمه گذار نسبت ببقاء آنچه بیمه میدهد ذی نفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه گذار متضرر میگردد. » اما قسم دیگر بیمه عمر که عبارتست از بیمه عمر در حال حیات، قراردادی است که بیمه گر در مقابل اخذ وجوه مقرر تعهد میکند که هروقت بیمه شده بفلان سن رسید مبلغ معینی باو تأدیه نماید. در این قسم بیمه بیمه شده از عدم فوت خود که لازمه انجام تعهد بیمه گر است بفرض که این امر را صرفاً حادثه ای بدانیم متضرر نمیگردد و حال آن که بطوریکه گفته خواهد شد عدم فوت کسی را نمیتوان حادثه تلفی کرد. و بعلاوه قانون بیمه در ماده ۲۳ میگوید: « در بیمه عمر یا نقص یا شکستن عضوی از اعضاء بدن مبلغ پرداختی بعد از مرگ یا نقصان عضو بطور قطع در موقع عقد بین طرفین معین میشود. » ماده مزبور فقط تعیین میزان تعهد بیمه گر را در بیمه عمر که در مقابل خطر مرگ یا نقصان عضو است بیان میکند و اساساً توجهی به بیمه عمر در مقابل خطر پیری ندارد.

و همچنین ماده ۲۴ مقرر میدارد. « وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخته شود بورته قانونی متوفی پرداخته میشود... » و ماده ۲۷ نیز میگوید. « اثرات قانونی انتقال وجه بیمه عمر از تاریخ فوت بیمه شده محسوب میشود. » - بطوریکه ملاحظه



شېرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی